

اردشیر زاهدی آخرین سفیر رژیم پهلوی در آمریکا، خاطرات خود را از افزایش قیمت بلیت اتوبوس شرکت واحد و شورش ضد دولتی در پی آن و جازدن نهائی دولت و برگشتن قیمت بلیت اتوبوس بمقدار اولیه آن به ادعای اردشیر به همت و پشتکار او، را برای مصاحبه کننده یک سواله فصل نامه چاپ لوس آنجلس "ره آورد" شرح داده است که کیهان چاپ لندن بخاطر اهمیتش آن را در شماره ۸۱۷ خود چاپ کرده است. در این خاطرات بعلت بی خاطره‌گی نه تاریخ این واقعه ذکر شده است و نه از قیمت بلیت اتوبوس قبل و بعد از افزایش عددی داده شده است و به چند برابر شدن نه بطور معین مانند دو برابر ده برابر بیان شده است.

عمق حماقت مقامات رژیم شاه همواره شگفت آور بوده است و حسرت یک کلمه هوشمندانه زدن را به دل هر خواننده‌ای میگذارند. حرف های احمقانه زدن از اول بیان خاطرات اردشیر آغاز میشود او ادعا میکند تجدید سازمان شرکت واحد اتوبوس رانی ناشی از دزدی‌های مالی بوده است که در آن شرکت شده بود. که بیش متداول در میان انبوه احمق های سیاسی حراف ایران است. برای احمق های اقتصادی و مدیریت تجدید سازمان شرکت اتوبوس رانی بیبوجه نمی توانست ناشی از بزرگ شدن شهر تهران، بالا بردن بهره دهی شرکت، بالا بردن درآمد آن برای بیشتر کردن خطوط اتوبوس رانی، افزایش تعداد اتوبوس ها و بطور کلی بهتر کردن خدمات اتوبوس رانی برای مصرف کننده باشد.

برای کسانی که در آمریکا زندگی میکنند، که موفق ترین اقتصاد جهان را دارد، اگر توجه کنند، که کلید اگر توجه کنند است "خواهند دید که مؤساتی که برای توده مردم خدماتی میدهند، توری پایه ریزی شده‌اند که باید از نظر مالی سرپای خود بایستند و چنانچه احتیاج به کمک دولتی داشته باشند مالیات سراسری جدیدی وضع خواهد شد. در مورد قیمت پست داخلی آمریکا از انقلاب ۷۹ ایران تا بحال از ۱۵ سنت به ۳۳ سنت رسیده است. و اداره پست آمریکا موظف است بر اساس قانون درآمد و خرج خود را موازنه کند. مصرف کننده خرج آن را برای خدمات پستی که میگیرد میدهد و اداره پست باید آنچنان حقوقی به کارکنان خود بدهد که بتواند با بخش خصوصی رقابت کند و نمیتواند کارکنان خود را با ترس از افسی‌سی‌ها و یا سیا وادار کند برای حقوق کمی کارکنند. تا آنجا که به اتوبوس رانی شهر مربوط است، مقامات شهر مسئول آن هستند و بیشتر از مقامات شهرستان در کار آن دخالت نمیکنند چه برسد به کارکنان سفارت امور خارجه دولت آمریکا، حالا دولت آمریکا و کالیفرنیا و رئیس جمهوری آمریکا را کنار میگذاریم. قیمت اتوبوس در لوی آنجلس از انقلاب ایران تا بحال بیش از چهار برابر شده است و در بعضی مسیرها تا به ۲ دلار هم میرسد با این وجود شرکت اتوبوس رانی شهر و شهرستان لوی آنجلس از بوجه خود به این شرکت کمک میکنند که از مالیات گرفته شده از تمام ساکنان شهر تامین میشود که معمولاً صاحبان زمین و مسکن هستند.

زاهدی خود را در این خاطرات طرفدار مردم نشان میدهد که نمیتواند تحمل کند که مستخدم ها و سوپور ها بخش زیادی از درآمد اندک خود را خرج رفتن برسر کار خود بکنند. او از مستخدم خود نقل قول میکند که باو شکایت میکند که از عهده قیمت جدید بلیت اتوبوس برنمی آیند و ایشان بفکر مبارکشان هم نمیرسد که بهتر است حقوق مستخدم خود را بالا ببرد تا او بتواند برای سر کار آمدن از خرج های دیگر زندگی خود نزند، بلکه بسراغ گروه وزیران دولت و فریده دیبا مادر فرح پهلوی میروند و برای او هم مثال نوکر و کلفت های آنها را میزند. مانند این است که تنها نوکر و کلفت ها اتوبوس سوار میشوند. زاهدی که دولت میباید خرج زندگی اشرافی او را میداد و مانند اکثریت ثروتمندان در بهشت مالیاتی ایران قانونی و یا با اعمال نفوذ از زیر دادن هر مالیاتی در میرفت برای گرفتن پاره‌های اقتصادی برای بلیت اتوبوس نوکر و کلفتش به حرافی بی سرو ته در گروه وزیران میردازد و با اشاره به برپائی شورش های دانشجویی و سیاسی بقول خودش دولت را وادار میکند قیمت بلیت اتوبوس را به مقدار اولیه خود برگرداند.

مخالفان سیاسی کمونیست و حزب الهی که همواره بدنبال زمینه مردمی بودند تا به اتکا به آن شورش های سیاسی برپا کنند و رژیم دیکتاتوری شاه را به نفع رژیم دیکتاتوری خود ضعیف کنند، افزایش قیمت بلیت اتوبوس فرصت مناسب را به

آنها میدهد. از آنجا که اصولاً مقامات رژیم شاه خود را موظف نمیدیدند که برنامه‌های پیشنهادی برای اجرا را برای مردم توضیح دهند و مخالفین و موافقان طرحی مردم را در جریان قطعی شدن اجرای آن نمیگذاشتند، طرحهای که به تصویب شاه میرسید صرف نظر از واکنش اجرائی آن از طرف گروهی که اجرای آن طرح بر زندگی اثر میگذاشت و در این مورد مسافران اتوبوس ها قافل گیر میشدند و بسوی مخالفان قسم خورده دولت کشیده میشدند که بطور کلی فهم بدی از منافع مردم دارند که در بدی خدمات خلاصه میشود. مقامات رژیم پهلوی که در برقرار کردن ارتباط با مردم عاجز بودند و تخصص و لیاقتشان در تملق از شاه و قانع کردن او بود ناتوان و ناآشنا به آگاه کردن مردم از وظایف شهروندی‌شان بودند.

زاهدی نشان میدهد که چه بزدل بزرگ سیاسی است و چگونه بدنبال فرار از جنگیدن با مخالفان سیاسی رژیم است آن را گشته شدن مردم میخواند. در صورتیکه حریف دولت در آن شورش ها نه مردم بی گناه بلکه کادرهای سخت ریشه کمونیست و حزب الهی هستند که بدنبال قدرت نمائی هستند تا پایگاه‌های مردمی خود را توسعه دهند و قدرت مجاز دولت را آسیب پذیر نشان دهند. سیاست فرار از روبرو شدن با مخالفان و نداشتن اتکا به پشتیبانی مردمی با سازمان یافته‌گی سیاسی سرانجام کار مترسک های سیاسی رژیم شاه را تمام کرد که از درک مکانیزم سیاسی نه تنها ایران بلکه هر کشوری عاجز بودند. از آنجا که آدم های ثروتمندی مانند زاهدی این روزها در محله‌های اعیان نشین لوس آنجلس مانند تپه ماهورهای بورلی هیلز، بلر، ملیبو و غیره زندگی میکنند و چون این محله‌ها اعیان نشین اتوبوس ندارد هرچند که مالیات ملکی یک درصد آن به ده‌ها هزار دلار میرسد. زاهدی مانندها و همدلان ره آوردی و کیهان لندنی مجبورند حداقل ۳۰، ۴۰ دلاری برای رفت و برگشت کلفت ها و نوکر هایشان پردازند، باید دید، آیا اینها حسرت دانشجویان اشغالگر کمونیست و حزب الهی دانشگاه تهران را میخورند یا نمیخورند؟ ۹-۱۴-۰۰